

مطلوبیت زمانی، مصرف و پس انداز

در راستای اصلاح مصرف می‌باید پس انداز و مطلوبیت زمانی مصرف‌کننده را مدنظر قرار داد. به علاوه، مصرف چند بعدی است و مصرف دولت را هم در بر می‌گیرد.



کاهش مطلوبیت عایدش نمی‌شود. بر این اساس، اگر خواستار ترمیم بخش مصرفی کشور هستیم، می‌باید همزمان نظام و الگوی پس انداز ملی را نیز ترمیم نماییم. افزایش نرخ‌های بهره بانکی - بر اساس ضریبی از شاخص تورم - از اولین راهکارهای دست یافتن به نظام منطقی بانکداری و البته کاهش مصرف به تبع افزایش پس انداز ملی خواهد بود.

مشکل کشور کجاست؟

یقیناً کشور ما با مشکلاتی بزرگ دست به گریبان است که این امر، لزوم اصلاح الگوی مصرف را به صورتی جامع جلوه‌گر می‌سازد. افزایش بی‌رویه مخارج جاری دولت که صرف پرداخت حقوق کارکنان ادارات کم بازده دولتی می‌گردد، در کنار رشد صعودی سالانه بودجه عمومی دولت که نشان از ساختار نابه‌هنجار اقتصادی کشور دارد، مشخص‌کننده عدم سرمایه‌گذاری متناسب با سطح تقاضا در کشور است. بر اساس گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، رشد درآمدهای دولت از سال ۸۴ تا پایان ۸۷ از ۶/۷۷ درصد به ۱۰/۱۰ درصد رسیده که در این بازه زمانی، رشد تشکیل سرمایه ناخالص ملی از عدد ۳/۳۲ درصد، تنها ۱/۵۹ واحد درصد افزایش داشته است. بدتر آن است که بر اساس پیش‌بینی کارشناسان ماهنامه، علیرغم کاهش درآمدهای نفتی، به دلیل افزایش‌های پیش‌بینی شده سایر درآمدها - به خصوص درآمدهای مالیاتی - درآمدهای دولت در سال جاری ۴۳/۹ درصد افزایش خواهد یافت، در حالی که تشکیل سرمایه ناخالص کشور، تنها ۳/۴۴ درصد افزایش را تجربه خواهد کرد.

حمایت‌های بی‌دلیل دولت از صنایع بی‌بازده در سال‌های گذشته در کنار عدم قیمت‌گذاری بر مبنای نظام عرضه و تقاضا از دلایل اصلی خارج شدن مصرف از سطح استاندارد بوده است. پرداخت سالانه ۴۰ هزار میلیارد ریال یارانه برای نان تولیدی در کشور، نمونه بارزی از ساختارهای معیوب نظام اقتصادی کشور است. در حالی که برقراری انضباط پولی و مالی در دستگاه‌های دولتی که خود به خود به

منابع عظیم و سرشار کشور که می‌توانند زمینه توسعه پایدار اقتصاد ایران را در سال‌های آینده فراهم کنند، نباید این چنین بی‌رویه اسراف و اتلاف شوند. اصلاح الگوی مصرف، نه تنها در سال جاری، بلکه همواره باید مدنظر بخش‌های عمومی و مردم باشد. با آغاز سال جدید و فرا رسیدن بهار طبیعت، یک بار دیگر امیدوار شدیم که اقتصاد کشورمان بتواند به اوضاع تاریک و مه‌آلودش رنگ و بوی رونق ببخشد. نام‌گذاری سال جدید با عنوان سال «اصلاح الگوی مصرف» از سوی مقام معظم رهبری - که جامعه همواره در سال‌های گذشته از منظر رهنمودهایی همچون سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، نوآوری و شکوفایی و اصلاح الگوی مصرف، از بینش ایشان بهره‌مند شده است - اشاره به مشکلاتی دارد که در حال حاضر از مهمترین معضلات کشور به حساب می‌آیند. مصرف‌گرایی، اسراف، اتلاف منابع، افزایش مداوم قیمت‌ها، پس انداز ناچیز و به تبع آن قلت سرمایه‌گذاری، محیط اقتصادی نامعقول، سیاست‌های پولی و مالی ناصحیح، عدم اجرای صحیح سیاست‌های تشویقی و تنبیهی مالیاتی، عدم قیمت‌گذاری بر مبنای اصول اقتصادی و نامتناسب با سیستم عرضه و تقاضا، همگی دست به دست هم داده‌اند تا مصرفی به مراتب بیش از حد استانداردهای جهانی و بین‌المللی داشته باشیم.

دوروی یک سکه

در حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد از درآمد دهک‌های پایین درآمدی کشورمان صرف نیازهای اولیه غذایی می‌شود. گسترش بی‌رویه و لجام گسیخته تورم در کشور - که اکنون فراتر از صحبت‌ها و راهکارهای کارشناسان رفته و از مباحث انتقادی اقتصادی به موضوع بحث ساختار اداری و اجرایی کشور تبدیل شده است - در کنار نرخ‌های بهره نامعقول بانکی سبب شده تا حتی دهک‌های بالای درآمدی نیز رغبتی به پس انداز نداشته باشند. از آنجا که عکس‌العمل توابع مصرف و پس انداز کاملاً عکس یکدیگر می‌باشند، نمی‌توان انتظار داشت که در این سطح مصرف، نرخ پس انداز و به تبع آن سرمایه‌گذاری بالایی را شاهد باشیم. البته این رفتار مصرف‌کننده هم کاملاً منطقی است، چراکه مصرف‌کننده همواره با محدودیت بودجه خود، سعی دارد به بیشترین سطح مطلوبیت دست یابد. با وجود نرخ‌های تورم ۱۵ تا ۵۰ درصدی طی ۱۵ سال اخیر در جامعه - و البته نرخ بهره واقعی منفی - مصرف‌کننده تمایلی به پس انداز پول خود نخواهد داشت، چراکه از به تأخیر انداختن مصرف خود به ادوار آبی و عدم مصرف آن در دوره کنونی، چیزی جز

مصرف‌گرایی، علل و راهکارها

راهکارها	علل	مشکلات
کاهش کسری بودجه، انضباط پولی و مالی، اجتناب از رشد بی‌رویه نقدینگی	تورم و انتظارات تورمی چاپ پول	مصرف‌گرایی، افزایش تقاضای جامعه
تصحیح قیمت‌ها	قیمت‌های نادرست و عدم آشنایی با فرهنگ صحیح مصرف	اسراف
کاهش تورم و مثبت نمودن نرخ واقعی بانکی	نرخ بهره منفی	قلت پس اندازها
خصوصی‌سازی واقعی	گسترش بی‌رویه دولت	مخارج بالای دولت
کاهش اندازه دولت و اصلاح محیط کسب و کار	ازدحام مالی دولت و ریسک‌های محیط کسب و کار	قلت تشکیل سرمایه
تبدیل دولت به بنگاه‌های نظارت‌گر و استراتژی برون‌گرا	رقابت دولت با بخش خصوصی و اقتصاد نفتی	رکود تورمی
راه‌اندازی طرح «هدایت مصرف»	عدم حمایت از حقوق مصرف‌کننده	بالا بودن مخارج دولتی و توقع کاهش مصرف از سوی مردم
تأسیس نهاد «نظارت بر کیفیت» از سوی بخش خصوصی با نظارت قانونی دولت	حمایت‌های بی‌دلیل دولت از بنگاه‌های فاقد بهره‌وری و پرداخت سوسپسید به آنها	عدم آرایه محصولات باکیفیت

منبع: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران».

کارشناسانه است. اما راه حل این شکل، کم مصرف کردن نیست، بلکه بهینه و یا به قول معروف درست مصرف کردن است. در این رابطه، دولت موظف است که سیاست های اجرایی خود را به صورت کاملاً شفاف به مردم اطلاع دهد و از راه حل های غلطی همچون تعیین قیمت دستوری پرهیز نماید. البته نباید این مسأله را نیز از یاد برد که بخش عظیمی از مصرف انرژی در کارخانجات و سازمان های دولتی صورت می پذیرد. امید است دولت محترم، برای نیل به اهداف بلندمدت جامعه و همچنین دستیابی به مقاصد اصلی با نام گذاری سال جاری، با تغییر در روند مصرفی خود، سبب پدید آوردن عزمی ملی از سوی مردم شده که در کنار هم به رشدی متعالی و متناسب با اهداف نظام دست یابیم. ان شاء الله ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با «اصلاح الگوی مصرف در ایران» در صفحات ۳۰ - ۳۳ می خوانیم.

نقش تجارت در رشد و توسعه اقتصادی

منافع برون مرزی

نگاه دکتر هوشنگ شجری، عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان، به مقوله بازاریابی و تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی کشور



مثال، همین موضوع به ظاهر پیش پا افتاده رنگ، در حوزه بازاریابی بین المللی یک مقوله بسیار مهم و تعیین کننده محسوب می شود. یک مسأله اساسی تر در این رابطه، سطح مشخصی از کیفیت کالای صادراتی است که باید با استانداردهای جهانی هماهنگ باشد.

یکی از مسائلی که در سال های اخیر با آن مواجه هستیم، بحث حذف چتر حمایتی دولت از صنایع می باشد. صنایع تا زمانی که در مراحل نوزادی به سر می برند، باید مورد حمایت دولت ها واقع شوند تا به حد مشخصی از رشد و بالندگی برسند. سپس با حذف چتر حمایتی دولت، این صنایع نوپا با قرار گرفتن در بازارهای رقابت خارجی، توانایی دستیابی به بالندگی و رشد را خواهند داشت. متأسفانه اتفاق بدی که در بسیاری از کشورها رخ داد، تبدیل شدن حمایت موقتی به حمایت دائم بود که این امر، گرفتاری هایی را برای صنایع و اقتصاد این کشورها به وجود آورده است.

لذا عبور از مرحله رشد صنایع تولیدی ایجاب می کند که با یک برنامه کارشناسی شده و مشروط به دوره زمانی مشخصی حرکت کنیم و بپذیریم که در پایان مهلت مورد نظر، هیچ نوع حمایتی در کار نخواهد بود. فقط با پایبندی به چنین شرایطی و تحت لوای برنامه حمایت موقت به موفقیت خواهیم رسید. در غیر این صورت، با حمایت دائمی از صنایع، زمینه های بروز مزیت های تولیدی شرکت ها بروز نخواهند کرد. این قبیل حمایت های موقتی با برنامه های سازمان تجارت جهانی هم منافاتی ندارند، چرا که آنها هم مشوق چنین حمایت های برنامه ریزی شده ای هستند. در سال ۱۹۹۲ در آستانه پیوستن ژاپن به سازمان تجارت جهانی، برنج کاران این کشور ضمن برگزاری راهپیمایی، مخالفت خود را نسبت به واردات برنج آمریکایی اعلام کردند و علت این مخالفت را نابودی فعالیت های برنج کاری در صورت واردات برنج آمریکایی - که حاصل تکنولوژی پیشرفته ای بود - قلمداد کردند. سازمان تجارت جهانی نیز در چارچوب یک توافقنامه رسمی و طی زمانی معین به دولت ژاپن اجازه داد تا به حمایت از برنج کاران خود بپردازد. نتیجه آن که دولت ژاپن از ورود برنج آمریکایی - تا زمانی که این کشور از نظر تکنولوژیکی، توان رقابت با برنج آمریکایی را داشته باشد - ممانعت کرد.

از این رو، ما نیز در صورتی که بخواهیم از یک صنعت مشخص و طی زمان معینی حمایت کنیم، از نظر مقررات بین المللی مشکلی نخواهیم داشت. بنابراین می توانیم با طرح

کاهش کسری بودجه منجر خواهد شد، می تواند راهکاری مناسب در این مجرا قلمداد شود. پدید آوردن طرح هایی همچون هدایت مصرف - که سبب مصرف عاقلانه و مدبرانه از سوی دولت شده و به تبع آن موجب اصلاح آگاهانه مصرف از سوی بخش خصوصی خواهد شد - در کنار آرایه گواهینامه های کیفیت برای بخش های پرمصرف و سیاست های مالیاتی تشویقی و تنبیهی برای کنترل از دیگر اقدامات قابل قبول در جهت دستیابی به اهداف مدنظر در سیاست های راهبردی مقام معظم رهبری در سال جاری می باشد.

همچنین تأسیس صندوقی تحت عنوان «صندوق هدایت مصرف» که با دریافت مالیات از تولیدکنندگان بی بازده دولتی و پرداخت آن به تولیدکنندگان بهره ور - که نیازمند حمایت های کوتاه مدت می باشند - امری مثمرتر خواهد بود. اما در این راستا، انرژی را نباید از یاد برد. مصرف سرانه بسیار بالای بنزین و گازوئیل در کنار دیگر حامل های انرژی که سطوح و استانداردهای جهانی است، نیازمند توجهات

بسیاری از صاحب نظران اقتصادی دو استراتژی جایگزینی واردات و توسعه صادرات را به عنوان راه های رسیدن به توسعه اقتصادی مطرح می کنند. در استراتژی جایگزینی واردات - که نقطه آغازین آن، بخش صنعت می باشد - توسعه باید از طریق بسط صنایعی که به تدریج جایگزین واردات می شوند، صورت گیرد. ایران این سیاست را پیش از انقلاب دنبال می کرد و هم اکنون نیز علیرغم چند بار تغییر جهت، همچنان به دنبال اجرای سیاست مذکور است. بنابراین، بدیهی است که این سیاست، به عنوان روشی برای توسعه اقتصادی، مورد حمایت باشد.

عملکرد روش مزبور به این ترتیب است که ضمن حمایت از صنایع داخلی، از طریق وضع تعرفه های گمرکی و به سبب آن ممانعت از واردات کالاهای مشابه، به تدریج تولیدات صنایع داخلی را جایگزین واردات نموده تا از این طریق، موتور توسعه به حرکت در آید. اما طبق استراتژی دوم، به جای تقویت صنایع جایگزین واردات، یک نوع جهت گیری صادراتی مبتنی بر تفسیر بازارهای جهانی و بازاریابی بین المللی، مدنظر قرار می گیرد. در روش جایگزینی واردات، با استفاده از تمام ابزارهای ممکن، صنایع داخلی در مقابل ورود تولیدات صنایع خارجی، تحت پوشش قرار می گیرند، ولی در عین حال از ورود صنایع داخلی به بازار رقابت با صنایع خارجی جلوگیری می گردد. همچنین اگر حمایت های دولتی از حد مشخصی عدول کند، صنایع وابسته به این حمایت، دچار پیشرفت و رشد کاذبی می شوند که عاری از هرگونه خلاقیت و ابداع برای رشد فنی و تکنیکی در زیرساخت های تحقیقاتی و صنعتی خواهند بود که همین حمایت های بی اندازه و نامتعارف، زمینه ساز اضمحلال صنایع مذکور خواهد شد.

برعکس، در روش مبتنی بر توسعه صادرات، آنچه مستلزم حضور صنایع در بازار رقابت خارجی خواهد بود، خلاقیت و ابتکار است. بنابراین، در یک کلام، مسأله بودن و نبودن مطرح است و معیارها نیز کاملاً مشخص می باشند. به همین دلیل است که کشوری همچون ژاپن، با اختصاص رقمی معادل ۳۳ میلیارد دلار بابت هزینه های تحقیقاتی، خود را برای رقابت در بازارهای نیویورک آماده می کند.

علاوه بر خلاقیت، ابتکار، پیشرفت تکنولوژیکی و سازماندهی تولید، سیستم ارزی مناسب و اقدامات مناسب برای بازاریابی بین المللی نیز دو مورد بسیار مهم در اجرای سیاست توسعه صادرات محسوب می شوند.

در صورت اتخاذ سیاست توسعه صادرات برای دستیابی به توسعه اقتصادی، باید تمام ملزومات متناسب با آن - از نوع بسته بندی گرفته تا شاخص های فرهنگی نظیر جایگاه رنگ در فرهنگ های مختلف - را در امر جهت گیری صادراتی لحاظ کرد، چراکه به عنوان